



/https://www.irna.ir/news/84499265

۲۸ مهر ۱۴۰۰ - ۰۸:۱۱

کد خبر 84499265

پژوهش / پژوهش اجتماعی



پژوهش‌هایی درباره آثار علمی و فلسفی ابن‌سینا

تهران- ایرنا- جعفر آقایی چاوشی در گفت و گو با ایرنا اظهار داشت: ما ایرانیان چنانکه باید و شاید، بزرگان علمی و فلسفی خود از جمله ابن‌سینا را نشناخته‌ایم و همین موضوع موجب شده تا نتوانیم متاع ارزشمند خود را در بازار جهانی عرضه کنیم؛ درحالی‌که غربیان در این زمینه به‌شدت از ما پیشی گرفته‌اند.

ابن‌سینا یکی از بزرگترین فلاسفه و دانشمندان در تمام سده‌ها و عصرها بوده است که با نبوغ شگرف و تلاش خستگی‌ناپذیر خود در عرصه‌های گوناگون به نیکی درخشید و جهان علم را تا ابد مرهون دانش خود کرد. از همان قرون وسطی، کوشش‌های مهمی در اروپا برای ترجمه آثار ابن‌سینا از عربی به لاتینی صورت گرفت، تا غرب مسیحی را با معلومات وسیع و شگفت‌انگیز این اعجوبه همه اعصار، آشنا سازد. امروزه نیز برخی از نظریات پر بار او در زمینه‌های فلسفه و علوم از قبیل منطق موجهات، کیهان‌شناسی و ارتباط میان ذهن و مغز و نظایر آن به طور مستقیم با مباحث علمی کنونی انطباق دارد و به همین دلیل مورد پژوهش و توجه بسیاری از دانشمندان شرقی و غربی قرار گرفته است؛ به این امید که از ورای آنها بتوانند به بعضی از پرسش‌های دانش روز، پاسخ گویند. در این خصوص پژوهشگر گروه اطلاع‌رسانی ایرنا به گفت و گو با جعفر آقایی چاوشی عضو هیات علمی دانشگاه صنعتی شریف و گردآورنده پژوهش‌هایی درباره آثار علمی و فلسفی ابن‌سینا پرداخت که در ادامه متن آمده است:



ایرنا: لطفاً در خصوص کتاب پژوهش‌هایی درباره آثار علمی و فلسفی ابن‌سینا توضیح دهید و بگویید آیا این اثر با آثاری که پیش از این در ایران منتشر شده‌اند، تفاوتی ماهوی دارد یا خیر؟

چاوشی: پرسش خوبی است؛ اما برای پاسخ به آن ذکر چند نکته ضروری است. نکته اول اینکه ما ایرانیان چنانکه باید و شاید، بزرگان علمی و فلسفی خود را عموماً و ابن‌سینا را خصوصاً نشناخته‌ایم و همین عدم شناخت موجب گردیده تا نتوانیم متاع ارزشمند خود را در بازار جهانی عرضه کنیم؛ درحالی‌که غربیان، در این زمینه به‌شدت از ما پیشی گرفته‌اند. مثلاً اگر کارهایی که انگلیسی‌ها درباره نیوتن، ایتالیایی‌ها در مورد لئوناردو داوینچی و فرانسویان در مورد دکارت را کرده‌اند با کارهایی که ما در مورد ابن‌سینا کرده‌ایم، مقایسه کنید، آن وقت متوجه می‌شوید که ما چقدر از آنها فاصله داریم. آنها از تولید فیلم‌ها و سریال‌های تلویزیونی گرفته تا چاپ کتاب و برپایی سمینارها برای بزرگداشت بزرگان‌شان به نحو احسن بهره برده‌اند اما ما یک فیلم سینمایی هم که درباره ابن‌سینا ساخته‌ایم، از واقعیات به دور و به افسانه شبیه است. اگر هم هالیوود در سال‌های اخیر فیلمی از ابن‌سینا را ساخته است، نه برای بزرگداشت این فیلسوف ایرانی بلکه به خاطر ضربه زدن به او و ایران بوده است.

بنابراین اگر ما خودمان تلاش نکنیم، دشمن تاریخ علم ما را هم خواهد نگاشت و آن هم با انبوهی از تحریفات! و در این صورت ما هیچگاه قادر به اصلاح و مقابله با این تحریفات نخواهیم بود. با این حال ابن‌سینا به جهت گستردگی ابعاد و غنای آثارش، همواره چه در شرق و چه در غرب مطرح و به قول امروزی‌ها مد روز بوده است و این هم باز به برکت دانشمندان منصف و برجسته غربی است که شب و روز خود را برای پژوهش درباره آثار ابن‌سینا اعجوبه همه اعصار گذاشته‌اند تا از پرتو آن بتوانند به برخی از مسایل علمی و فلسفی روز پاسخ دهند.

تقریباً در اغلب کشورهای مهم جهان از آمریکا، انگلیس و فرانسه گرفته تا الجزایر، هند و پاکستان و... همایش‌هایی در مورد ابن‌سینا برگزار گردیده است. مقالاتی که در برخی از این سمینارها ارائه شده اصلاً قابل مقایسه با آنچه که ما در ایران نوشته‌ایم، نیستند. بنابراین در پاسخ به پرسش شما باید بگوییم که انگیزه اصلی من از تدوین این کتاب، ترجمه و چاپ برخی از این‌گونه مقالات بوده است و شما هم با مروری در مقالات این کتاب با من هم‌عقیده خواهید بود.

ایرنا: چه عاملی موجب شد که اصولاً شما به این کار مبادرت ورزید؟ آیا رشته تحصیلی جنابعالی سبب این گرایش شد یا عوامل دیگری در آن مؤثر بودند؟

چاوشی: برای پاسخ به این سال باید حدود چهل سال به عقب برگردم، یعنی اوایل انقلاب و زمان جنگ تحمیلی که من در فرانسه و در دوره کارشناسی ارشد در دانشگاه ژوسیو (پاریس ۷) به تحصیل اشتغال داشتم. یکی از درس‌های اجباری ما درباره فلسفه دکارت بود. استاد ما هم آقای دکتر دومینیک لوکور از دکارت‌شناسان برجسته فرانسه بود که این درس را ارائه می‌داد. چند سالی است که از وضع زندگی او بی‌خبرم اما با خاطره خوبی که از این درس داشتم باید بگویم:

گر بمر دست روانش پر نور
ور بُود زنده خدا یارش باد

درس‌های استاد بسیار جالب و کلاس هم مملو از دانشجویان فرانسوی و از دیگر ملیت‌ها بود. من برای اینکه درس‌ها خوب در حافظه‌ام جایگزین شوند آنها را ضبط می‌کردم، هنوز هم نوارهای کاست قدیمی از این درس‌ها را دارم. در روز اول درس که استاد قصد معرفی دکارت را داشت، پرسشی را برای دانشجویان بدین‌گونه مطرح کرد: «چرا دکارت با فلاسفه دیگر فرانسوی، چه قبل و چه بعد از او فرق دارد و در واقع تافته‌ای جدا بافته است؟» این مطلب را در پراگ بگویم که فرانسویان همواره خود را عقل‌گرا معرفی می‌کنند و این عقل‌گرایی خود را هم به دکارت نسبت می‌دهند.

با طرح این سؤال سکوتی بر کلاس حاکم شد. برخی از دانشجویان پاسخی بر زبان آوردند که مورد قبول استاد واقع نشد. بعد خود استاد، کلاس را با پاسخ عجیب خود که برای من هم شگفت‌انگیز بود از تعلیق بیرون آورد. همان‌گونه که گفتم آن روزها مصادف با روزهای آغازین انقلاب و جنگ تحمیلی بود و رسانه‌های فرانسه نیز روز و شب اخبار جنگ و انقلاب ایران را با جزئیات پخش می‌کردند و به تفصیل درباره آنها به مباحثه می‌نشستند. استاد گفت: «اگر عوامل انقلاب ایران را ریشه‌یابی کنید به مذهب تشیع می‌رسید که بر خلاف مذاهب دیگر اسلامی، انقلابی است و همواره با شاهان و حاکمان سر ستیز داشته است و آنها را به رسمیت نشناخته است. ابن‌سینا فیلسوف بزرگ ایرانی هم که غرب قرون وسطایی، وام‌دار دانش و فلسفه اوست متعلق به همین مذهب انقلابی شیعه است. او هم به دلیل وابستگی به همین مذهب انقلابی بود که در زمانش با حاکمان قدرت در افتاد و آواره شهر و دیار گردید» و بعد هم چنین ادامه داد: «به نظر من دکارت که یکی از خوانندگان آثار فلسفی ابن‌سینا به زبان لاتینی بوده، نه تنها در علم و فلسفه بلکه در شیوه زندگی نیز از سلف ایرانی‌اش تأثیر پذیرفته است.» بعد هم گفت: «بنیان فلسفی دکارت که در جمله «من می‌اندیشم، پس هستم (je pense, donc je suis)» خلاصه می‌شود، متأثر از یک اثر فلسفی ابن‌سینا درباره انسان معلق است. گذشته از این بهره‌گیری علمی و فلسفی، می‌بینیم که دکارت در طول زندگی‌اش آرام و قرار نداشت، از این شهر به آن شهر و از این کشور به آن کشور می‌گریخت تا منزل امنی بیابد و در سایه آن به کار پژوهشی بپردازد و چنین به نظر می‌رسد که در این رفتار هم خواهی نخواهی از ابن‌سینا الگو پذیرفته است.» من در کلاس درس بسیار خوشحال بودم که استاد این همه از ابن‌سینا تجلیل می‌کند اما متأسف بودم که ما ایرانیان نمی‌توانیم، نمونه‌ای از کارهایی را که فرانسویان در مورد دکارت کرده‌اند، درباره ابن‌سینا انجام دهیم. همین باعث شد که تألیف کتابی در مورد ابن‌سینا را با نگاهی نو در برنامه پژوهشی خود در آینده قرار دهم.



ایرنا: آیا همین درس استاد فرانسوی و نگاه انقلابی‌اش به ابن‌سینا شما را به نگاهی انقلابی در پژوهش درباره کارهای اندیشمند بلند آوازه ایرانی واداشت؟

چاوشی: بله، من بعد از پایان تحصیلاتم به ایران برگشتم و همزمان با تدریس در دانشگاه صنعتی شریف در پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی هم کار تحقیق درباره دانشمندان اسلامی ایران را نیز دنبال می‌کردم. در این زمان دکتر مهدی گلشنی ریاست پژوهشگاه را برعهده داشت و من هم چند ویژه‌نامه درباره خیام و خواجه نصیر را منتشر کردم. پس از این کار، پروژه ابن‌سینا را به دست گرفتم و از داخل و خارج ایران مقاله درخواست نمودم. متأسفانه اندکی پس از آغاز کار، دکتر گلشنی از ریاست پژوهشگاه برکنار شد. دوره رییس جدید برایم بسیار دشوار و طاقت‌فرسا بود تا حدی که نمی‌توانستم با خیال راحت به پژوهش خود ادامه

دهم و بدین سبب مجبور به استعفا شدم. بعد هم برای چاپ همین کتاب به سراغ مؤسسه حکمت و فلسفه رفتم که مسوول انتشاراتش به این دلیل که اغلب این مقالات ترجمه است از چاپ آن عذر خواست! با میانجی‌گری دکتر گلشنی کتاب را به پژوهشگاهی در قم سپردم، به امید آنکه در آنجا به زیور چاپ آراسته گردد. مدیر انتشارات آنجا هم پس از یکسال که مرا با بهانه‌های واهی معطل کرد، سرانجام از من خواست که آن قسمت از مقدمه را که من رنجامه نامیده‌ام، حذف کنم. من هم جواب رد دادم و کتاب را از آنها پس گرفتم و با این اندیشه خود را تسلی می‌دادم که سرانجام ناشری که قدر این اثر را بداند پیدا خواهد شد و با خود می‌گفتم:

گوهر خود را مزین بر سنگ هر ناقابلی صبر کن پیدا شود گوهرشناس قابلی

و این گوهرشناس را که جوانی پر شور، وطن‌دوست و دوست‌دار عظمت ایران اسلامی به نام کامبیز خالقی بود، سرانجام پیدا کردم که با چاپ کتاب به طرز بسیار زیبایی تمام خستگی چند ساله مرا از تن بیرون کرد.

ایرنا: اکنون مختصری درباره تفاوت این اثر با کارهای گذشته در مورد ابن‌سینا بگویید.

البته باید از تلاش‌های بزرگانی که در این عرصه قلم زده‌اند به ویژه شادروانان آیت‌الله مطهری، استاد حسن ملک‌شاهی، آیت‌الله حسن‌زاده آملی و آیت‌الله مصباح یزدی قدردانی کرد، که پیشکسوتان ابن‌سیناشناسی‌اند، با این حال این بزرگان توجه خود را بیشتر به مباحث متافیزیکی و عرفان ابن‌سینا معطوف کرده بودند؛ در صورتی که در غرب ابعاد دیگری از ابن‌سینا مورد مطالعه قرار می‌گرفت که عبارت بودند از ریاضیات، نجوم، کیهان‌شناسی، موسیقی و... من هم مایل بودم که با ارایه ترجمه این‌گونه کارها، تلنگری به ابن‌سیناشناسی معاصر در کشورم بزنم. البته نمی‌دانم تا چه حد توانسته‌ام به هدف خود نزدیک شوم.

ایرنا: اگر ممکن است اندکی در مورد نویسندگان مقالات نیز صحبت کنید؟

چاوشی: هم نویسندگان و هم مترجمان کتاب از نویسندگان برجسته و متخصص در حوزه پژوهشی خود هستند. متأسفانه در طول مدتی که این کتاب دست به دست می‌چرخید، آقای دکتر ساسان سپنتا نویسنده ایرانی و آقای موروزونتا (Mauro Zonta) نویسنده فرانسوی بدرود حیات گفتند و نتوانستند انتشار مقاله خود را شاهد باشند. آقای قسام فینیانوس (Ghassam Finianos) نویسنده سوریه‌ای یکی از مقالات هم، بر اثر حمله داعش و گروه‌های تروریستی به سوریه محل قبلی خود را ترک کرده و من اکنون اثری از او ندارم. یکی از مقالات خوب این کتاب متعلق به آقای دکتر گلشنی و شاگرد ایشان آقای دکتر جمالی است که درباره آگاهی و رابطه ذهن و مغز از نگاه ابن‌سینا می‌باشد. خود من هم ۲ مقاله درباره کارهای نجومی ابن‌سینا یکی به فارسی و دیگری به فرانسه نوشته‌ام که امیدوارم مورد توجه قرار گیرد. مقاله‌هایی هم درباره منطق موجهات از نگاه ابن‌سینا توسط منطق‌دانان خارجی داریم که توسط استادان ایرانی به فارسی ترجمه شده‌اند و این مقالات نیز نگاهی تازه به مباحث منطقی ابن‌سینا دارند.

ایرنا: آن‌طوری که از عنوان کتابتان پیداست این دومین مجموعه مقالات درباره ابن‌سیناست که شما تدوین کرده‌اید، لطفاً فرق آن را با مجموعه پیشین بیان کنید؟

چاوشی: حق با شماست نصف مقالات مجموعه پیشین متن سخنرانی‌های همایش ابن‌سینا در همدان بود که چند سال پیش برگزار شده بود و نصف دیگر هم مقالاتی بودند که خود من سفارش آنها به نویسندگانشان داده بودم. بنابراین مجموعه حاضر که مقالاتش همگی به سفارش خود من نوشته یا ترجمه شده‌اند، تفاوت بسیاری با مجموعه قبلی دارد که خوانندگان با مطالعه آن به خوبی آن را احساس خواهند کرد.

من نباید چیزی درباره این تفاوت بگویم به قول شاعر:

خوشتر آن باشد که سر دلبران گفته آید در حدیث دیگران

ایرنا: چرا باز هم به ابن‌سینا پرداختید، نمی‌شد این مجموعه را به دانشمند دیگری اختصاص دهید که کمتر به آن پرداخته شده است؟

چاوشی: علت این انتخاب تنها دانش ابن‌سینا نبود، بلکه نقشی بود که این نابغه بزرگ در تمدن اسلامی ایفا کرده بود. او به تنهایی یک الگوی تمدن‌ساز است، از هر نظر که به مساله نگاه کنید! مثلاً اگر شما شرح حال بیشتر دانشمندان در شرق و غرب را مطالعه کنید، می‌بینید که آنان برای پیشبرد اهداف علمی خود در مواقعی ناچار بودند از بعضی خواسته‌های قلبی خود چشم‌پوشند و از اوامر سلاطین یا حکام جور متابعت کنند ما در تاریخ نمونه‌های زیادی داریم که من نیازی به ذکر نام آنان نمی‌بینم. بعضی هم که تنها علم داشتند و از اخلاق و دین بی‌بهره بودند به خاطر دلبستگی به زندگی مادی و جاه و مال دنیوی علم خود را در خدمت دشمنان بشریت به کار می‌بردند. نمونه بارز چنین دانشمندانی را ما در آمریکا و در خلال جنگ جهانی دوم مشاهده می‌کنیم... اگر من باز هم این مجموعه دوم را به ابن‌سینا اختصاص داده‌ام، بخاطر التزام اخلاقی و پاسداری از دین این دانشمند بوده است. او نمی‌خواست پزشک مخصوص یا دانشمند دربار پادشاه ستمگری همچون سلطان محمود شود که شیعه‌کشی را راه انداخته بود و به همین جهت هم از دست او و عمالش شهر به شهر و کوی به کوی می‌گریخت. سرانجام هم قربانی این جنگ و گریز شد و در میانسالی و درحالی‌که فرصت ازدواج هم نیافت، بر اثر اضطراب و استرس ناشی از خانه‌به‌دوشی به قولنج مبتلا شد و جان به جان آفرین تسلیم کرد. ما باید این‌گونه دانشمندی را برای نسل آینده و تمدن نوین اسلامی تربیت کنیم.

ایرنا: مهم‌ترین ویژگی ابن‌سینا برای الگوپذیری چیست؟

چاوشی: ویژگی دیگر ابن‌سینا، احاطه داشتن بر بسیاری از دانش‌های زمانش بود. امروزه به علت گستردگی علوم و به وجود آمدن دانش‌های نوین بعضی برآنند که باید برخلاف گذشته فقط در یک علم متخصص شد، عمر انسانی کفاف مطالعه چند علم را برای پژوهشگر معاصر نمی‌دهد اما همین‌ها، اغلب در همان زمینه تخصص خود هم قادر به ابتکار و اکتشاف نیستند. من خود با برخی از این‌گونه استادان چه در دانشگاه صنعتی شریف و چه در دانشگاه‌های دیگر حشر و نشر داشته‌ام و

متوجه شده‌ام که آنها نه تنها در مباحث اولیه ادبیات، دین، فلسفه و سیاست کشور خود ناآگاهند؛ بلکه در زمینه تخصص خود نیز از ابتکار بی‌بهره‌اند، مثلاً استاد ریاضی را می‌شناسم که جبردان است اما در مباحث هندسی وارد نمی‌شود و برعکس. حال اگر شما ابن‌سینا را مورد مطالعه قرار دهید از احاطه‌اش در علوم مختلف شگفت‌زده می‌شوید!

ایرنا: آیا این اثر می‌تواند جای مباحث خالی در ابن‌سیناشناسی را پر کند؟

چاوشی: آنچه که من در این کتاب انجام داده‌ام در واقع جرقه‌ای است که باید آن را پژوهشگران دیگر به مشعل فروزانی تبدیل کنند. به قول شاعر:

باش تا صبح دولتش بدمد

این هنوز از نتایج سحر است